

نقش شعر در شکوفایی تفسیر کشف‌الاسرار میبیدی

دکترتقی امینی مفرد^۱

چکیده

تأثیر، تأثر، تبادل و تعامل، از جمله مؤلفه‌های مهم و اثرگذار در شکوفایی پدیده‌های انسانی و اجتماعی است. تأثیر متقابل و سازنده فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و گرایش‌های گوناگون علم و دانش در یکدیگر به عنوان پدیده‌های ارزنده و سازنده نیز امری است آشکار.

با نگاهی گذرا به چگونگی مناسبات میان قرآن کریم و ادبیات، به عنوان گرایشی از دانش، میزان تأثیر دولت قرآن در قلمرو ادبیات فارسی و عربی بدان پایه است که در قالب کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌ها بدان پرداخته شده و کرسی درسی نیز بدان اختصاص یافته است؛ اما آنچه در این مقال به طور محوری بدان پرداخته شده، گذری بر نقش برجسته شعر در اعتلا و شکوفایی تفسیر قرآن کریم است.

در این نوشتار، ضمن گذری بر چند تفسیر، به اجمال به نقش شعر در تفسیر

کشف‌الاسرار و عُدَّة‌الابرار میبیدی پرداخته شده است.

مقدمه

تعامل و تأثر از ویژگی‌های برجسته پدیده‌های انسانی و اجتماعی است. شکوفایی، ارتقا و اعتلای این گونه پدیده‌ها در سایه برقراری مناسبات و تعامل شایسته، مقوله‌ای است که اهل نظر برآن همداستانند. تفسیرهای قرآن کریم نیز به عنوان پدیده‌های ارزنده علمی و فرهنگی در سیر تحول و تطوّر هزار و چهارصد ساله با بهره‌گیری از سازوکارها، روش‌ها و نوآوری‌ها، شکوفا شده و مراتب ارتقاء و اعتلاء را پیموده است. با نگاهی گذرا به ارتباط میان قرآن کریم و ادبیات فارسی و عربی و میزان تأثیر دولت قرآن بر قلمرو متون گران‌سنگ ادبی درمی‌یابیم که تأثیر این کتاب شریف بدان پایه است که در قالب کتاب‌ها، مقالات و سخنرانی‌ها بدان پرداخته شده و کرسی درسی چون «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات» بدان اختصاص یافته است.

تأثیر قرآن بر افکار و آثار نویسندگان پهنه پهناور ادبیات فارسی نیز از آغاز شعر فارسی دری بر همگان آشکار است؛ به طوری که فرزنگانی چون لسان الغیب، حافظ برای دولت قرآن جایگاه ویژه‌ای قائل شده‌اند.^۱ «حافظ در تمامی عمرش با قرآن محشور بوده و - به روایتی - آن را به چهارده روایت از بر داشته است. هیچ کتاب دیگری به اندازه قرآن - که صرفاً یک کتاب در عداد سایر کتب نیست - بر ذهن و نیز حتی بر زبان او تأثیر نداشته است. ساختمان غزل‌های حافظ که ابیاتش بیش از هر غزل‌سرای دیگری استقلال، یعنی تنوع و تباعد دارد، بیش از آنچه متأثر از سنت غزل‌سرایی فارسی باشد، متأثر از ساختمان سور و آیات قرآن است» (خرمشاهی، ۹۷).

^۱ . صبح خیزی و سلامت‌طلبی چون حافظ

بسیاری از دیگر بزرگان قلمرو گسترده ادبیات فارسی و عربی نیز به شیوه‌های گوناگونی چون اقتباس،

درج، حل، تلمیح، تفسیر، ترجمه، تأویل و پیروی از اسلوب هنری از این کلام آسمانی بهره برده‌اند.

اما وجه دیگر ارتباط متقابل، نقش و تأثیر شعر بر شکوفایی تفسیرهایی است که بر قرآن کریم نوشته

شده است. آنچه در پی به عنوان بحث محوری و عمده این مقال به رشته تحریر درمی‌آید، سخن از همین

شیوه به کارگیری و تأثیرگذاری است. نگارنده ضمن گذری بر تفسیرهایی چون تفسیر کبیر (مفاتیح‌الغیب)

امام فخر رازی و پرتوی از قرآن شادروان آیت‌ا... سیدمحمود طالقانی، با بیان مصادیقی چند به نقش شعر در

شکوفایی تفسیر کشف‌الاسرار و غده‌الابرار می‌پردازد.

امام فخر رازی در تفسیر کبیر، زبان شعر را دست مایه شکوفایی اثر خویش قرار داده است. در تفسیر

«رب العالمین» سوره فاتحه، پس از بیان جنبه‌های صرفی و نحوی و عبارت پردازی‌های فلسفی، ابیاتی از

ابوالعلائی معری به دست می‌دهد:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كَمْ لَكُمْ مِنَ فَالِكِ تَجْرَى النَّجُومُ بِه الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

هَيْنَ عَلَى اللَّهِ مَا ضِينَا وَ غَابِرُنَا فَمَا لَنَا فِي نَوَاحِي غَيْرِهِ خَطَرُ

(ای مردمان! خدای را چه بسیار سپهرهاست که ستارگان و خورشید و ماه در آن می‌روند و گذشتگان و

بازماندگان بر خدای آسان است و ما را جز از ناحیه او خطری نیست) (فخر رازی، ۶۰/۱).

از دیگر موارد این گونه کاربرد، استفاده بیتی از لبید بن ربیعہ عامری (د. ۴۰ یا ۴۱ ه.ق) است. در تفسیر

آیه «اهدنا الصراط المستقیم» که:

و فی کُلِّ شَیْءٍ لِّهٖ آیَهِ تَدُلُّ عَلَیْ اِنَّهُ وَاَحَدٌ

(و در هر چیزی [هستی] او را نشانه‌ای است که دلالت می‌کند بر این که او یگانه است) (همو، ۶۴).

از دیگر نقش‌هایی که شعر در شکوفایی پرنیان تفسیر امام فخر رازی ایفا می‌کند، جلوه آن در تعلیقات مفصل و پراج ترجمه تفسیر کبیر دکتر علی‌اصغر حلبی است. از جمله این گونه کاربرد، در مقوله «آفرینش جن» است؛ مترجم در ترجمه و توضیح «حبه قلب»، تعلیقه ترجمه تفسیر را با عبارتی از مرزبان‌نامه، سروده‌های اوحدی و شیخ محمود شبستری در گلشن راز، چنین آراسته و شکوفا می‌نماید:

حَبَّه الْقَلْبِ: درونِ دل، سویداء «و از سُبُکِ روحی و محبوسی چون حَبَّه الْقَلْبِ در پرده دل‌ها گنجیدی»

(مرزبان‌نامه، ۱۳۶، قزوینی). اوحدی گوید:

حُبِّ لَوْلِیِّ گَر از شَکَرِ بَاشَد حَبَّه الْقَلْبِ را تَبَرِ بَاشَد

(دهخدا، امثال و حکم، ۶۸۹/۲)

در فارسی «حبه دل» هم گویند. شیخ محمود شبستری در گلشن راز گوید:

بَدان خُرْدی کِه آمد حَبَّه دَل خَدَاوند دُو عَالَمِ رَاسْت مَنزَل

(فخر رازی، ۱/۱۸۶)

مفسر پرتوی از قرآن، شادروان سیدمحمود طالقانی نیز با دریافت قابلیت‌های زبان هنری شعر از آن بهره

برده است. آیت ... طالقانی در ذیل آیه ۱۳۸ بقره «صِبْغَةَ اللَّهِ و مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»

پس از آنکه به رنگ‌های خود ساخته ناشی از نفسانیات و ناپایداری و پیامدهای ناگوار آن و نیز به نورالهی و

رنگ‌آمیزی خدایی اشاره می‌کند، عبارات خود را به داستان رنگ‌آمیزی رومیان و چینیان که مولانا جلال‌الدین، محمد آورده می‌آراید:

رومیان گفتند نه نقش و نه رنگ	در خور آید کار را جز دفع زنگ
در فرو بستند و صیقل می‌زدند	همچو گردون ساده و صافی شدند
هر چه اندر ابر ضوء بینی و تاب	آن ز اختر دان و ماه و آفتاب
از دو صد رنگی به بی‌رنگی رهی است	رنگ چون ابر است و بی‌رنگ مهی است

(طالقانی، ۳۱۹/۱)

بهره این تفسیر شریف از گوهر شعر چشمگیر است که برای پرهیز از اطالۀ کلام از بیان دیگر مصادیق تن می‌زنیم.

تفسیر کشف‌الاسرار میبدی

کتاب کشف‌الاسرار و عُدَّة‌الابرار که کاشف رازهای قرآن و توشه و زاد راه نیکان و اهل ایمان است، از

تفاسیر لطیف کتاب مجید به زبان پارسی است. نویسنده این کتاب، ابوالفضل رشید‌الدین میبدی است؛ اما از

دوره زندگانی او آگاهی دقیقی در دست نیست، همین اندازه می‌دانیم که در نیمه اول سده ششم هجری

می‌زیسته، و احتمالاً تا حدود ۵۵۰ ه.ق زنده بوده است. آغاز تألیف این کتاب ۵۲۰ ه.ق بوده، ولی به درستی

معلوم نیست چند سال بدین کار سرگرم بوده است.

اساس کار او، تفسیر هروی از خواجه عبدا... انصاری (۳۹۶-۴۸۱ هق) معروف به پیر هرات است. مؤلف

خود در این باب می‌گوید: «من کتاب شیخ الاسلام عبدا... انصاری را دیده و خوانده‌ام که در آن لفظاً و معنیاً

به حد اعجاز رسیده، جز آنکه رعایت غایت ایجاز کرده...» و او برای رفع این ایجاز، کتاب کشف‌الاسرار را

پرداخته و در آن شرط کرده که «مجلس‌ها سازد در آیات قرآن، و سه نوبت سخن گوید: اول در [ترجمه]

پارسی؛ نوبت دیگر در تفسیر و وجوه معانی و قراءت‌های مشهور و سبب نزول و...؛ و نوبت سوم در رموز

عارفان و اشارت صوفیان...» (انزایی‌نژاد، پیشگفتار؛ رکنی، ۳۶).

استفاده صاحب کشف‌الاسرار از ابزار هنری شعر، در نوبت سوم (النوبة الثالثة) تفسیرش بسیار چشمگیر

است. مفسر در این نوبت، پس از پردازش هنری، شیوا و آهنگین عبارات به تناسب، بیت یا ابیاتی می‌آورد.

ابیات، غالباً بدون ذکر نام شاعر است که از این میان، جلوه اشعار سنایی غزنوی نظرگیر است. در پی به

مصادیقی از این بهره‌برداری اشاره می‌شود.

الف) بهره‌گیری از شعر برای بیان معانی لغوی واژه‌های قرآنی

میبیدی در النوبة الثالثة، ذیل بسم ا... پس از بحث موجز لغوی از زبان هنری بهره می‌برد.

بسم ا... - گفته‌اند که اسم از سِمَت گرفته‌اند و سمت، داغ است؛ یعنی گوینده بسم ا... دارند آن رقم و

نشان کرده آن داغ است.

بنده خاص ملک باش که با داغ ملک روزها ایمنی از شحنه و شب‌ها ز غَسَس

هر که او نام کسی یافت، از این درگه یافت ای برادر کس او باش و میندیش ز کس

(میبدی، ۲۷)

ب) بیان شواهد شعری در تبیین مفاهیم قرآنی

در تفسیر «الم» سوره بقره، النوبة الثالثة را در تبیین این نکته که «سرّ حبیب با حبیب است» با ابیاتی

ملمّع این گونه آغاز می‌کند:

بَيْنَ الْمُجَبِّينَ سِرٌّ لَيْسَ يُفْشِيهِ قَوْلٌ وَلَا قَلَمٌ لِلْخَلْقِ يَحْكِيهِ

زان گونه پیام‌ها که او پنهان داد یک ذره به صد هزار جان نتوان داد

(همان، ص ۵۲)

سپس با نثری مسجع تبیین و تفسیر «الم» را پی گرفته، پس از فرازی، گوش مخاطبان را با بیتی

می‌نوازد:

در صحیفه دوستی نقش خطی است که جز عاشقان ترجمه آن نخوانند، در خلوت خانه دوستی میان

دوستان رازی است که جز عارفان دندنه (زمزمه) آن ندانند، در نگارخانه دوستی رنگی است از بی‌رنگی که

جز والهان از بی‌چشمی نبینند:

جمال چهره جانان اگر خواهی که بینی تو دو چشم سرت نابینا و چشم عقل، بینا کن

(همان جا)

ج) استفاده از شعر برای توصیف و توضیح مفاهیم قرآنی

تکمیل توصیف مفاهیم قرآنی با بهره‌گیری از شعر از دیگر موارد کاربرد این ابزار ارزنده در تفسیر کشف‌الاسرار است. در نوبت سوم تفسیر «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» و بیان واژه تقوا پس از ذکر قول کعب‌الاحبار، حسن ختام بیانش سرایشی است عربی:

عمر خطاب، کعب‌الاحبار را گفت که از تقوی با من سخن گوی. گفت: یا عمر به خارستان هیچ بار گذر کرده‌ای؟ گفت: کردم. گفتا: چه کردی و چون رفتی در آن خارستان؟ گفتا: متشمر فراهم آمدم و جامه با خود گرفتم و خویشان را از خار بپرهیزیدم. گفت: یا عمر آن است تقوی - و فی معناه انشدوا:

خَلَّ الذَّنُوبَ صَغِيرَهَا وَ كَبِيرَهَا فَهِيَ التَّقَى كُنْ مِثْلَ مَا شِ فَوْقَ اَرْضِ الشَّوْكِ يَحْذَرُ مَا يَرَى

لا تَحْقِرَنَّ صَغِيرَهُ - اِنَّ الْجِبَالَ مِنْ الْاَحْصَى (همو، ۵۵)

د) آرایش کلام با شعر

در نوبت سوم تفسیر بخشی از آیه ۱۷ سوره بقره «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا» پس از بیان شیوا و آهنگین، تدوین هنرمندانه را در استفاده از ابیات فارسی و عربی به کار بسته و تزیین سخن را با بهره‌گیری از زبان شعر شکوفاتر کرده است.

«مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا» این مثل کسی است که بدایتی نیکو دارد، حالی پسندیده، و وقتی

آرمیده، تن بر خدمت داشته، و دل با صحبت پرداخته، روزی چند در این روشنایی رفته، و عمری به سر آورده ناگاه دست قدر از کمین‌گاه غیب درآید و او را از سر وقت خود دربراید، و آن روشنایی ارادت به ظلمت

حرص بدل شود، و طبع جافی بر جای وقت صافی نشیند ... پس چون کار دنیا و اسباب آن راست کرد و دل بر آن نهاد، برید مرگ کمین‌گاه مکر برکشد! که هین رخت بردار که نه جای نشستن است و نه وقت آرمیدن! آن مسکین آه سرد می‌کشد و اشک گرم از دیده می‌بارد، و به روزگار خود تحسّر می‌خورد، و به زبان حسرت این نوحه می‌کند که:

گل‌ها که من از باغ وصال چیدم دُر‌ها که من از نوش لبت دزدیدم
آن گل همه خار گشت در دیده من وان دُر همه از دیده فرو باریدم
و کان سراج الوصل ازهر بیننا فهبت به ریح من البین فانطفی

(همو، ۹۵)

از دیگر موارد کاربرد هنری شعر با استفاده از صنعت ملمع، می‌توان به ابیاتی که در نوبت سوم تفسیر آیه «تؤتی المُلکَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ المُلکَ مِمَّنْ تَشَاءُ» آمده اشاره نمود:

یکی با رضوان در ناز و نعم جنت، یکی با مالکان در زندانِ وحشت و نعمت، یکی بر بساط بسط، بر تخت ولایت منتظرِ رؤیت، یکی در چاه بشریت با خواری و با مذلت. آن صاحب ولایت به زبان شادی از دولت وصال خود خبر می‌دهد:

کنون که با تو به هم صحبت اوفتاد مرا دعا کنم که وصال خجسته باد مرا

و آن بیچاره کشته مذلت به زبان مهجوری از سر حرمانِ خویش این ترنم می‌کند:

بأی نواحی الارض ابغی وصالکم و أنتم ملوک ما لمقصدکم نحو

حالِ دلِ خود ترا نمودیم و شدیم بر دردِ دل اندوه فزودیم و شدیم

(همو، ۸۰/۲)

میبدی گاه از شعر به عنوان حسن ختام نوبت‌های سوم تفسیر استفاده می‌کند؛ چنان که در فراز پایانی نوبت سوم تفسیر «و بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا» (احزاب/۴۷). پس از عباراتی آهنگین، خاتم و خاتمِ مطلب، این دو بیت است:

بر آتش عشق جان همی عود کنم جان بنده تو نه من همی جود کنم

چون پاک بسوخت عشق تو جان رهی صد جان دگر به حيله موجود کنم

(همو، ص ۷۷)

ه) الهام از مضامین شعری در پردازش عبارت نثر تفسیر

الهام از شعر نیز برای پردازش عبارات منثور، دست مایه صاحب کشف‌الاسرار قرار گرفته که این خود از جمله نقش‌ها و تأثیرات شعر است. در این تفسیر؛ در نوبت سوم ذیل آیه «و اذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ» می‌نویسد:

درویشی را دیدند که با خدای رازی داشت و می‌گفت: خداوندا مرا به دوستی بپسند، اگر اهل دوستی

نیم به بندگیم بپسند، و اهل بندگی نیم، به سگیم بپسند تا سگ درگاه تو باشم.

گر می ندهی به صدر حشمت بام باری چو سگان برون در می دارم

(همو، ۱۹۷)

چنان که پیش از این اشاره شد، اکثر شعرها بی‌نام به کار رفته و به ندرت ابیاتی را می‌توان دید که به نام شاعر اشاره شده است.

در نوبت سوم تفسیر آیه «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ» از سوره آل عمران، بیتی با ذکر نام شاعر می‌آورد:
شیخ الاسلام انصاری رحمه ا... گفت: من چه دانستم که مادر شادی، رنج است و زیر یک ناکامی، هزار گنج است!...

عالمی در بادیۀ مهر تو سرگردان شدند تا که یابد بر در کعبۀ قبولت بردبار (سنایی)

(همو، ۴۱/۲)

از این دست کاربرد را در تفسیر بخشی از آیه ۳۱ سوره آل عمران، «فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» می‌توان دید.
آن پیر طریقت گفت: خداوندا! خود کردم و خود خریدم، آتش بر خود، خود افروزانیدم! از دوستی آواز دادم، دل و جان فرا ناز دادم. مهربانا! اکنون که در غرقابم، دست گیر که گرم افتادم:

زین بیش مزن تو ای سنایی غم عشق کاواره چو تو بسند، در عالم عشق

بپذیر تو پند و گیر یک ره کم عشق کز آب روان گرد برآرد غم عشق

(همو، ۹۵)

نتیجه

آنچه به عنوان سخن آخر و نتیجه این پژوهش می‌توان گفت این که اگر چه کتاب آسمانی ما، قرآن

کریم، تأثیری شگرف بر آثار ادبی این مرزوبوم گذاشته و موجب شکوفایی و اعتلای آن شده است، این مهم را

نیز نباید از نظر دور داشت که شعر نیز به سبب ماهیت ارزنده‌اش در تفسیرهایی که بر صحیفه مبین، قرآن

کریم، نوشته شده تأثیر گذاشته و در برخی از تفاسیر فارسی موجب شکوفاتر شدن و اثرگذارتر شدن آنها

گردیده است.

فهرست منابع:

علاوه بر قرآن کریم؛

۱. انزابی‌نژاد، دکتر رضا، *گزیده تفسیر کشف‌الاسرار*، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۰.
۲. حافظ، شمس‌الدین محمد، *دیوان*، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی‌علیشاه، چاپ پنجم، ۱۳۸۲.
۳. خرماهی، بهاء‌الدین، *ذهن و زبان حافظ*، انتشارات معین، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۴. رکنی، دکتر محمدمهدی، *لطایفی از قرآن کریم*، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
۵. فخر رازی، محمدبن عمر، *تفسیر کبیر (مفاتیح‌الغیب)*، ترجمه دکتر علی اصغر حلبی، جلد ۱، انتشارات اساطیر، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۶. طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۷. میبدی، ابوالفضل رشید‌الدین، *تفسیر کشف‌الاسرار*، به اهتمام دکتر علی اصغر حکمت، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۶.